

مروری بر زندگی

مولانا قمرالدین رحمته اللہ علیہ

حاجی غلام حیدر قباکزوری^(۱) - ایرانشهر

ایشان اینگونه ثابت کردند و مردم این دیار را مدیون خدمات ارزنده خویش نمودند و به آیندگان آموختند که باید منافع شخصی را فدای منافع اجتماعی و ملی کرد.

مولانا جوانی دل گرم و عالمی توانا بود و تربیت پدر بزرگوارش مولانا شمس الدین رحمته اللہ علیہ از وی چنان شخصیتی ساخته بود که حاضر بود همه وجودش را فدای بیداری مردم بگرداند. لذا از منطقه آبائی خود، دامن - از توابع ایرانشهر - به شهرستان ایرانشهر عزیمت کرد. و در کنار مولانا گل محمد رحمته اللہ علیہ در مسجد جگرد فعالیت‌های خود را آغاز نمود و پس از گذشت یکسال مسجد نور را بنا نموده و آن را مرکز فعالیت‌هایش قرار داد.

مبارزه با شرک و بدعات

از آنجائیکه مردم در گذشته قبرهای اولیاء الله و بزرگان را به صورت زیارتگاههایی در آورده بودند و جهت برآورده شدن نیازها و مشکلاتشان با ذبح جانوران بر سر مزارات به آنها توسل می‌جستند و این امر خلاف شرع بود، مولانا رحمته اللہ علیہ به همراه مولانا گل محمد رحمته اللہ علیہ و دیگر علمای منطقه مبارزه با مظاهر شرک را اولویت داده به مردم می‌فرمودند: «که زندگی و مرگ، عزت و ذلت، فقر و توانگری همه و همه از طرف الله ذوالجلال می‌آیند. بزرگان و اولیای خداوند محتاج

مولانا قمرالدین رحمته اللہ علیہ یکی از روشن ضمیران این عصر بود که از میان ما رفت، خورشیدی بود که افول کرد، دروازه‌ای از علم و معرفت بود که بسته شد و گوهری بود که از چشم ناسپاسان پنهان شد.

مولانا قمرالدین که با لقب «خطیب بلوچستان» از وی یاد می‌شود، مر خطه بلوچستان را عالمی زیرک، دوران‌دیش، دانشمند، با جرأت، میهمان‌نواز و پرهیزگار بود که عمر گرانمایه‌اش را صرف خدمت به مسلمانان این سرزمین نمود.

ایشان برای کسب مدارج علمی به پاکستان سفر نمود و از محضر علما بزرگ آن دیار از جمله از محضر مولانا عبدالرحمن کامل پوری و مولانا اشفاق الرحمن و علامه مولانا محمدیوسف بنوری کسب فیض نمود و تقریباً پنجاه و دو سال پیش از مدرسه علوم اسلامی تندو الهیار سند فارغ‌التحصیل شد. در دوران تحصیل و مدتی پس از آن در پاکستان به مساجد و روستاها جهت تبلیغ و امر به معروف می‌رفت.

مولانا با کوله‌باری از علم و دانش و تجربه به وطن بازگشت. پس از مدتی جهت گرفتن معادل مدرک تحصیلی و علمیش به تهران عزیمت کرد، در تهران با مشاهده صلاحیتهای علمی و اندیشه‌های بلند ایشان به وی پیشنهاد شد تا رحل اقامت در تهران بیفکند و در دانشکده الهیات تهران به تدریس مشغول شود؛ شیخ محمود مفتی‌زاده یکی از مشاوران و مشوقان وی بود اما مولانا فرمود: «در بلوچستان بیشتر به وجود من نیاز است و من صلاحیت و توان خودم را در آن دیار صرف می‌کنم و به شهرت و مقام نیازی نمی‌بینم!»؛ حقیقتاً هم

۱- این مقاله در اصل توسط نویسنده برای مجله بلوچی «...» به زبان بلوچی به رشته تحریر درآمده بود که سپس برای ندای اسلام ارسال گردید، و کار ترجمه آن از بلوچی به فارسی توسط آقای شبیراحمد صمدانی عضو شورای نویسندگان مجله انجام شد.

در طول این مدت صدها نفر از اقشار مختلف با پیام قرآن آشنا گردند.

مدرسه دینی شمس العلوم

در سال ۱۳۵۳ هجری شمسی مدرسه شمس العلوم را که یادگار پدر بزرگوارشان بود از «دامن» به ایرانشهر انتقال دادند و با شوری تازه کارهای علمی را ادامه دادند که هم اکنون نیز بیش از دویست طلبه از کلاسهای مقدمات گرفته تا کلاسهای سطح و خارج به صورت شبانه روزی و بیش از سیصد نفر از فرزندان و نونهالان ایرانشهر به صورت روزانه در آن اشتغال به تحصیل دارند.

البته مولانا قمرالدین به تدریس در این مدرسه دینی قانع نبودند و فراست و دوراندیشی ایشان منجر شد تا به تدریس در دبیرستانها و دیگر مراکز آموزش عالی نیز بپردازند و سی سال در بخش الهیات تدریس نمایند.

از دیگر کارهایی که همیشه برای مردم ایرانشهر یادآور یاد و خاطره مولانا قمرالدین رحمته خواهد بود عیدگاه و مصلی بزرگ ایرانشهر است که با تلاشهای پیگیر مولانا در سال ۱۳۷۶ در زمینی به وسعت ده هکتار بنیان نهاده شد و سالها وجود مبارک مولانا قمرالدین (ره) زینت بخش منبر و محراب آن بود.

مدرسه دینی ام المومنین عایشه صدیقه

با توجه به مبارزات مردم بلوچستان با برنامه‌های استکباری رژیم طاغوت بر ضد حجاب کار به جایی رسیده بود که مردم در گذشته با فرستادن دختران خود به مدارس و دانشگاهها مخالفت می‌ورزیدند. اما مولانا با توجه به فراست و حس نیاز نسلهای آینده به مادرانی آگاه و مدبر برای نخستین بار در مسجد نور ایرانشهر جایی برای شرکت زنان در نمازهای جمعه و تراویح در نظر گرفتند و خواهان آگاهی دادن و تعلیم زنان و دختران در جامعه شدند. در همین راستا در سال ۱۳۷۲ هجری شمسی مدرسه دینی ام المومنین عایشه صدیقه رضی الله عنها را برای خواهران

عنایتهای پروردگارانند و قدرت حل مشکلات شما را ندارند»، تا اینکه رفته رفته به برکت مجاهدتها و کوششهای ایشان و علمای دیگر، منطقه از لوٹ عقاید شرکی پاک شد و به مردم آموختند که همه نیازهایشان را مستقیماً از الله ذوالجلال بطلبند.

مولانا در میدان خطابت و سخنوری

مولانا سخنوری بی‌بدیل بودند، از این رو لقب «خطیب بلوچستان» از طرف علمای بزرگ به ایشان داده شده بود. سخنرانی‌های ایشان که با سوز و گداز خاصی همراه بود اشک از دیدگان مردم جاری می‌نمود.

مولانا با همه علمای بلوچستان مخصوصاً مولانا عبدالعزیز رحمته ارتباط بسیار نزدیک و عمیقی داشت و همیشه در کنار ایشان بود و در همه کارها و مسائل مهم با ایشان به مشورت می‌پرداخت. اکثراً در پایان مراسم و جلسه‌هایی که مولانا روانید رحمته مولانا گل محمد رحمته و مولانا عبدالعزیز رحمته در آنها شرکت داشتند از مولانا قمرالدین رحمته تقاضا می‌شد تا جلسه را با دعاهای پرسوزشان فیض ببخشند.

مسجد نور

مسجد نور در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنا نهاده شد. توسعه و نامگذاری مسجد نور و مدرسه توسط مولانا شمس‌الدین رحمته انجام گرفت، وی در یکی از شبها در همین مکان خوابیده بود، در خواب دید که از همین جا نوری برخاست و دنیا را منور گردانید؛ صبح مولانا قمرالدین و افراد سرشناس دیگر را فراخواند و پس از بیان خواب و دعایی مختصر مولانا قمرالدین رحمته را امر کرد تا دست به کار شود و به فضل دعای ایشان مسجد نور مرکزی برای داعیان و مبلغان دین شد.

ناگفته نماند درس تفسیر قرآن و حدیث ایشان که پس از نماز صبح در مسجد نور برگزار می‌شد افراد زیادی را از اطراف و اکناف شهر به مسجد می‌کشاند. این خدمت دراز مدت باعث گردید که

■ مولانا با همه علمای بلوچستان مخصوصاً مولانا عبدالعزیز رحمته ارتباط بسیار نزدیک و عمیقی داشت و همیشه در کنار ایشان بود و در همه کارها و مسائل مهم با ایشان به مشورت می‌پرداخت.

تأسیس نمودند که در سال گذشته ۲۰ نفر و امسال ۱۲ نفر فارغ‌التحصیل داشته است، هم اکنون نیز دویست نفر در کلاسهای بالا و بیش از سیصد نفر در کلاسهای حفظ و روخوانی این مدرسه مشغول به تحصیل اند.

نقش فعال مولانا در

عرصه‌های اجتماعی و سیاسی

مولانا قمرالدین رحمته‌الله پدر و مربی مهربانی بود، خوب می‌دانست با چه کسی چگونه برخورد کند. درد و غم هر کسی را غم خودش می‌پنداشت، همیشه برای آبادی سرزمین خود و امنیت ملی می‌اندیشیدند. با وجود کثرت مشاغل به مسائل سیاسی و اقتصادی مردم می‌اندیشید. با وجود کثرت مشاغل و کم فرصت بودن اگر نیازمند و ناتوانی با مشکل مواجه می‌شد، مولانا تا آخرین لحظه جهت رفع مشکلش همکاری می‌نمود. و در انجام کارهای خیر از همه پیشی می‌جست.

ایشان از نظر سیاسی نیز دارای بینشی عمیق و اندیشه‌ای بلند بودند همیشه سیاست داخلی و خارجی را تحلیل و بررسی می‌کردند، مسائل اجتماعی و قومی که بخش عمده‌ای از آن اختلافات و نزاعهای قبیله‌ای بود را طوری حل می‌کردند که طرفهای درگیر به قضاوت ایشان قانع و خشنود می‌شدند.

ایشان در دوران تبعید مقام معظم رهبری در ایرانشهر با ایشان همکاری نزدیک داشتند و همیشه در مسائل مهم شهر با هم به رایزنی و چاره‌جویی می‌پرداختند. رهبر معظم نیز در دوران ریاست جمهوری و همچنین پس از آن از کسانی که از بلوچستان به محضر ایشان می‌رسیدند جوایز احوال مولانا قمرالدین رحمته‌الله می‌شدند. همچنین رهبر معظم در سفر اخیرشان به سیستان و بلوچستان از خاطرات و خدمات ارزنده‌شان به همراه مولانا رحمته‌الله یاد می‌کردند.

مولانا ارگانها و دواير دولتي را جهت هر چه بهتر و بیشتر خدمت کردن به مردم تشويق و راهنمایی

می‌کردند و از انتقاد بر کسی هراسی نداشتند.

بیماری و وفات

مدت مدیدی بود که مولانا از بیماری رنج می‌برد، چند مرتبه جهت مداوا به تهران سفر کردند اما در این سفر که منتهی به سفر آخرت شد، قبل از رفتن امور مدرسه و مسجد را تقسیم نمودند، گویا قبلاً به ایشان الهام شده بود که برای همیشه با مردم این سامان خداحافظی می‌کنند.

سرانجام در ۱۴ آبان‌ماه سال ۱۳۸۲ پس از دو ماه بستری در بیمارستان مهراد تهران دارفانی را وداع گفته و به ملاقات پروردگار شتافتند و مسلمانان و خصوصاً جامعه اهل سنت ایران را در غم فراق خود گذاشتند. جنازه ایشان روز جمعه ۱۶ آبان پس از انتقال به زاهدان توسط شیخ‌الاسلام مولانا عبدالحمید، جمعی از علمای جنوب و خیل عظیم مردم زاهدان به شهرستان ایرانشهر منتقل شد، پس از تکفین، نماز جنازه ایشان به امامت مولانا محمدیوسف حسین‌پور مدیر حوزه علمیه گشت و یار و همسنگر قدیمی‌شان اقامه شد.

و در پایان شیخ‌الاسلام مولانا عبدالحمید (حفظه‌الله) طی سخنانی با تأسف بسیار و با ذکر خدمات و احسانات ایشان، ضایعه درگذشت ایشان را به عموم مردم و خصوصاً بستگان و خانواده‌شان تسلیت گفتند. سپس چهره دوست داشتنی مولانا برای همیشه از دیدگان پنهان شد و به خاک سپرده شد.

مولانا قمرالدین رحمته‌الله پس از خود دو فرزند عالمش شیخ معین‌الدین و مولوی طیب را به عنوان جانشین خود در امور مسجد و مدرسه تعیین نمودند.

شیخ‌الاسلام مولانا عبدالحمید نیز در سخنان خود در عیدگاه ایرانشهر از مردم خواستند تا به حمایت و همکاری خود با فرزندان مولانا همچون دوران حیات ایشان ادامه دهند.

روحش شاد و راهش پر رهرو باد.

درد و غم هر کسی را غم خودش می‌پنداشت، همیشه برای آبادی سرزمین خود و امنیت ملی می‌اندیشیدند. با وجود کثرت مشاغل به مسائل سیاسی و اقتصادی مردم می‌اندیشید.